همشهری

۴صفحه همشهری ورزشی

یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۴ رمضان ۱۴۳۹ • سال بیست و ششم • شماره ۷۳۸۸ • ۳۲ صفحه • تهران (۱۱۲صفحه راهنما+ ۴ صفحه محله): ۱۰۰۰تومان

HAMSHAHRI • ISSN 1735-6386 • Vol.26 • No.7388 • SUN • MAY.20 • 2018

وداع با مرگ، لبخند به زندگی

گزارش همشهری از خانواده‌هایی که با اهدای اعضای عزیزجان باخته‌شان زندگی دوباره به دیگران می‌دهند

۴

آرشیو عکس همشهری/اکبر بدرخانی

منشور «شهر» داری پایتخت

افشانی، شهردار تهران در اولین جلسه کاری خود تأکید کرد

- محور برنامه‌های من شهر زیست‌پذیر و شهروند مشارکت‌پذیر است
- درآمد شهر باید بدون فشار به مردم تأمین شود
- باید به سهم زنان در مدیریت شهری توجه کنیم
- باید حقوق ادیان، مذاهب و اقوام تهران را پاس بداریم
- پاکیزگی شهر باید جدی گرفته شود
- توسعه حمل و نقل عمومی را جدی دنبال می‌کنیم
- محلات به عنوان سلول حیاتی شهر جدی گرفته شوند
- ایجاد امید در شهر باید در دستور کار باشد

۳

ساندویچی‌ها باز سینماها تعطیل!

گزارشی درباره شب‌هایی که فعلا بدون سینما سحر می‌شود

شهر تا صبح بیدار است. بهانه، فرصت افطار تا سحر است و حکایت، زندگی در شب‌هایی است که به روزهای طولانی باخته‌اند. شب‌های کوتاه اما در این سال‌ها برای روشن‌بودنشان سنگ تمام گذاشته‌اند...

صفحه ۱۲ را بخوانید

اینجا واردات قانونی غیرممکن است

گزارش همشهری از بازار لوازم آرایشی

مثل خیلی از بخش‌های بازار که این روزها اوضاع مساعدی ندارند، بازار لوازم آرایشی و بهداشتی هم خیلی خوب نیست. این را فروشندگان و واردکنندگان این محصولات می‌گویند.

صفحه ۸ را بخوانید

۴ تضمین اروپا در طبقه پانزدهم وزارت نفت

تحلیل همشهری از مذاکرات کمیسیونر انرژی اروپا در تهران

۲۷

شهرنامه

سیدابراهیم امینی، نایب رئیس شورای شهر تهران

مشارکت شهروندی با اعتماد و امید

شعار اصلی آقای افشانی در برنامه‌های ارائه شده «شهر زیست‌پذیر» و «شهروند مشارکت‌پذیر». مدیریت شهری دوره پنجم تهران برای توسعه پایدار شهر بر پایه مشارکت مردم بنا شده؛ مشارکتی که از راه اعتماد و امید می‌گذرد. در واقع برای اداره کلانشهری در ابعاد تهران با چالش‌های موجودش، اساسا نباید اعتقاد بر مشارکت تحمیلی به شهروندان باشد. یعنی به عبارتی از یک‌سو باید شهروندان، خودشان را در اجرای امور سهیم بدانند و از سوی دیگر تامین منابع مالی لازم برای اداره شهر نباید با فشار بر مردم همراه شود. به همین خاطر است که شهردار جدید پایتخت اعلام می‌کند: «مشارکت مردم بر مبنای اعتماد آنها به مدیریت شهری حاصل می‌شود و اگر اعتماد مردم به شهرداری تهران جلب شود، آنگاه در اداره شهر کمک و مشارکت می‌کنند.» سیدمحمدعلی افشانی این مسئله را در حالی بیان کرده که تاکید دارد تأمین درآمد شهر و شهرداری تهران باید بدون ایجاد فشار به مردم حاصل شود؛ او که حتی بخشی از شعار برنامه‌هایش را «شهروند مشارکت‌پذیر» اعلام کرده اما در عین حال معتقد است که از دادن وعده‌های غیرعملی به مردم باید پرهیز شود. بنابراین با چنین محوریتی می‌توان امید داشت که رفع مشکلات شهر و توسعه بدون مشارکت تحمیلی به شهروندان هدف مدیریت شهری قرار گرفته است. از طرف دیگر شورا و شهردار برای حرکت عدالت‌محور در این مسیر، اعتقاد دارند، همراهی مردمی با این امید حاصل می‌شود که آنها بدانند مسئولان شهری از توانایی لازم برای ایجاد تحول درست برخوردار هستند. اگر این اعتماد و امید در شهروندان ایجاد شود، آنها با طیب خاطر و رضایت درونی و با میل باطنی خودشان مدیران را یاری می‌دهند و تلاش می‌کنند که هم مشکلات شهر کاسته شده و هم تحول رو به جلو داشته باشیم.

این در حالی است که یکی از ابعاد تصمیم اعضای شورای شهر تهران در انتخاب آقای افشانی به‌عنوان شهردار برای ایجاد تحول در شهر همراه با مشارکت شهروندان، پیشینه فعالیت‌های اجرایی ایشان بوده است. سوابق او نشان از این دارد که با جنس کار آشناست. هنگامی که او در ۳استان معاون عمرانی استاندار بود، استاندار در واقع قائم‌مقام شورا به حساب می‌آمد و استانداران هم این امور را به معاون عمرانی خود محول می‌کردند. بنابراین او با جنس کارهای مدیریت شهری آشنایی دارد. در دورانی که به عنوان رئیس سازمان شهرداری‌ها و همچنین معاون عمرانی وزارت کشور فعالیت می‌کردند، کارنامه خوبی با پیگیری‌های خود برای شناسایی راه‌های کسب درآمدهای پایدار بر جای گذاشتند؛ راهی که اگر مدیران در آن حرکت کنند بدون تحمیل آنچنانی به شهروندان می‌توانند درآمدهای ضروری را برای اداره شهر به دست آورند.

حال اینکه کسب درآمدها بدون فشار به شهروند چگونه محقق می‌شود، جای بحث دارد و البته کاملا امکان‌پذیر است. در این میان می‌توان به برخی حوزه‌ها اشاره کرد که به میزان کافی به آنها تاکنون ورود نکرده‌ایم. مثلا در بحث گردشگری یا بعضی حوزه‌ها که دولت موظف است به شهرداری‌ها کمک کند اما به خاطر ناآشنایی با قوانین و مقررات انجام نشده است. این در حالی است که اگر مدیران عالی اشراف کافی به قوانین حوزه فعالیت خود داشته باشند می‌توانند تحولات خوبی را به وجود آورند. مثلا در دورانی که افشانی معاونت عمرانی وزارت کشور را عهده‌دار بود برای دریافت سهم نوسازی ناوگان اتوبوسرانی کلانشهرها از دولت و افزایش ظرفیت جابه‌جایی مسافر مترو از طریق قرارداد خرید ۶۳۰واگن را رقم زدند. همچنین در سال ۹۶، ۲هزار میلیارد تومان برای بحث مترو به معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران واگذار شد که صرفا ۷۰۰میلیارد تومان آن جذب و به سرانجام رسید. ضمن اینکه ایشان وقتی می‌گوید اداره شهر بدون وارد کردن فشار به مردم، احتمالا به هماهنگی‌های خوبی که با حوزه اقتصادی دولت دارند نیز برمی‌گردد؛ مانند خیلی از شهرهای دنیا. در این رابطه می‌توانیم به سفر سال گذشته‌مان به لهستان اشاره کنیم. در دیدارمان با هانا گرونکویچ والتز، شهردار ورشو، او اعلام کرد که آنها برای صدور مجوز ساختمانی ریالی دریافت نمی‌کنند اما عوارض سالیانه بعد از احداث دریافت می‌شود. از سوی دیگر ۵۰درصد بودجه شهرداری از کمک دولتی تامین می‌شود. به هر حال مطمئن هستیم که شهروندان متوجه اقداماتی که در دوره فعلی مدیریت شهری تهران برای ارتقای کیفیت زندگی انجام می‌شوند، خواهند شد و همراه می‌شوند؛ اقداماتی که با محوریت توسعه عادلانه و با شاخص هر محله به طور جداگانه صورت می‌پذیرد.

یادداشت

احمد مسجد جامعی، عضو شورای شهر تهران

صید اهل نظر

گفته‌اند که در اوایل انقلاب بعضی از معاریف روحانیت نزد مرحوم آیت‌الله و سیدمحمدرضا گلپایگانی که آن روز زعامت حوزه را بر عهده داشت رفتند و پیشنهاد کردند در حوزه‌های علمیه درس اخلاق برگزار شود، آقای گلپایگانی پاسخ داد برگزاری درس اخلاق خوب است اما پیش‌تر در حوزه کسانی بودند که سلوک و اخلاص آنها درس اخلاق بود و اینها تأثیرگذار بودند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی طباطبایی را معمولا با عنوان استاد اخلاق می‌شناختند. در روزگار ما گهگاه این عنوان غلط‌انداز است و تصور می‌کنند استاد اخلاق کسی است که تنها به دیگران درس اخلاق می‌دهد و موعظه می‌کند. به واقع که طباطبایی چنین نبود او با اخلاق زندگی می‌کرد، با اخلاق نفس می‌کشید و تن و جانش با اخلاق در آمیخته بود، در آن سال‌های پیش از انقلاب که جو دیگری بر عالم نشر حاکم بود یکی از کتاب‌های دوست داشتنی پر خواننده بینوایان ویکتور هوگو بود که معمولا با نسخه‌ای با ترجمه حسین‌قلی مستعان (پدر هنرمند ارجمند خانم گلاب آدینه) می‌خواندیم. از شخصیت‌های تأثیرگذار این کتاب یک کشیش بود که ژان وال ژان از کلیسای او دو شمعدان نقره ربود و وقتی به‌دست پلیس دستگیر شد و او را به کلیسا آوردند کشیش به ژان وال‌ژان رو کرد و گفت قاشق و چنگال‌های نقره را جا گذاشتی و بدین گونه تلاش کرد تا گره‌ای از کار او بگشاید.

این تصویر از روحانیت مسیحی اگر نزد آنان تصویری ناآشنا و بیشتر ادبی بود در میان روحانیون مسلمانی که ما می‌شناختیم رایج‌تر و دسترس‌پذیرتر به‌نظر می‌آمد. اما با گذشت روزگار امروزه کمتر روحانیونی می‌شناسیم.

سیدمهدی طباطبایی از برجستگان بازمانده از این گروه روحانیان بود که دستگیر و گره‌گشای خلق بود؛ خانه‌ای پر رفت‌وآمد در نزدیکی میدان خراسان در محله غیاثی و در اطراف همان دولاب تاریخی داشت که محل آمد و شد همگان بود. آقای طباطبایی می‌گفت مردم اینجا می‌آیند و مشکلات‌شان را می‌گویند و از ما اغلب کاری ساخته نیست اما همین که به حرف‌شان گوش بدهیم شاید کمی دلداری و آرامش برایشان فراهم کند که البته چنین نبود او اغلب مراجعان را با نامه‌ای به مسئولانی که می‌شناخت یا با توصیه به افرادی که راغب به کمک بودند ارجاع می‌داد یا با وجهی از دارایی خود روانه می‌کرد. او هیچ‌گاه خانه‌اش را عوض نکرد. از همان سال‌های دور که در حسینیه اصفهانی‌ها در اول آب منگل بعد از افطار منبر می‌رفت تا زمان انقلاب و نمایندگی مجلس و تا همین آخر عمر در همان جا به سر برد. می‌گویند در یکی از همین تلاش‌ها بود که او برای نجات جان محکومی تا آنجا که مقدور بود پیش رفت و چون به سرانجامی نرسید کار مجلس و دولتی را به کلی رها کرد و کوشید تنها از طریق مستقیم، خود گره گشای کار مردم باشد. در ماه رمضانی از ایام پیشین به لطف از من خواست که مهمان سفره افطارش شوم. پیش از آن از سفره احسانش برخوردار شده بودم و با خوشرویی و لطف تمام حلقه انگشتری فیروزه نیشابور هم به من بخشیده بود. ابراز شرمندگی کردم چون اغلب افطارها را از پیش قول داده بودم. گفت شما سحر بیایید سحر که رفتیم در خانه مثل زمان افطار باز بود و جمعی از جمله چند تن از روحانیان مهمان سفره سحر او بودند. در میان‌شان از طلبه‌های صرفا واعظ، تا طلبه‌های به قول قدیمی‌ها ملا مفاضل از نوگرا و سنتی از همه گونه حضور داشتند. او میان مردم خط نمی‌کشید بلکه با حضور، سفره، رفتار و گفتارش خط‌ها را پاک می‌کرد و به واقع معلم اخلاق بود. چنین بود که در تشییع با شکوه پیکرش راننده تاکسی و وانت، مدیر آژانس، وزیر و وکیل سابق و لاحق، پاسداری که به او وجوهات می‌داد و او از پرداخت وجوهات معافش کرده بود، پیرمرد و پیرزن و زن و مرد، جوان سیاسی و مذهبی، وزیر و کارمند، کارگر و کاسب، معلم و دانشجو همه نوع آدمی دیدم با یک ویژگی مشترک که همه آنها بی‌آلایش و بی‌خدم و حشم با انسانی‌ترین وجه شخصیت‌شان در آن محفل گرد آمده بودند. محفل انسی که اندوه مشترک مایه گرد آمدن آنها شده بود، نه اتوبوس، اطعام و دوربین‌های تلویزیونی که انگار میل زیادی به انعکاس مراسم نداشتند. یاد آن برنامه افتادم که در سخنانش چنان تأثیری بود که مجری هم با ایشان گریست.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

پروانه مافی، نماینده مردم تهران در مجلس

جای خالی زنان در هیأت رئیسه

وقتی اکثریت مردم یک زن را فارغ از جنسیتش، بلکه با اعتماد به توانمندی‌اش به‌عنوان نماینده خود انتخاب می‌کنند، دیگر این رویه‌ای درست نیست که بخواهیم در رقابتی نابرابر از شانس و فرصت قرار گرفتن یک زن در نقاط تأثیرگذار حوزه قانونگذاری کاسته شود یا صرفا نقش زنان در فراکسیونی با همین عنوان و یا حداکثر در کمیسیون‌هایی خاص تنزل یابد؛ چرا که کلیت یکپارچه و توانمند همه نمایندگان ملت است که ما را به حرکت در مسیر تأثیرگذار نظارت بخشی برای توسعه کشور موفق می‌سازد. باید همه باور داشته باشیم که زنان نماینده نیز مانند سایرین قبل از آنکه بخواهند نماینده قشر همسان خود باشند، نماینده همه مردمی هستند که به او رأی اعتماد داده‌اند، لذا باید از دریچه دیگر به موضوع بنگریم.

بررسی تاریخ ادوار مجلس قانونگذاری در ایران نشان می‌دهد که همواره تعداد زنان در مقابل مردان کمتر از انگشتان یک دست بوده است، چرا که یا باورهای سنتی حضور یک زن برای در معرض انتخاب قرار گرفتن را نپذیرفته است و یا آنکه کلیشه‌های جنسیتی مانع از رأی‌بخشی به زنان شده است، اما به‌رغم باورهای نادرست و بعضا سنت گرا، اینک شاهد افزایش حضور زنان در مجلس هستیم؛ هرچند که همچنان از آمارهای جهانی که حکایت از سهم ۲۳درصدی زنان در کسوت نمایندگان پارلمان دارد، حدود ۱۷درصد فاصله داریم؛ اما در همین حال بررسی جامعه‌شناختی انتخابات اخیر تحول نگرشی عمیقی را در میان مردم نسبت به انتخاب یک زن در کسوت نمایندگی پارلمان نشان می‌دهد. نکته قابل تأمل آن است که چرخش نگرشی در میان جوامع سنتی و محلی بیش از کلانشهرها روی داده است و به‌رغم آنکه در مجالس قبلی تمام زنان راه یافته به مجلس از کلانشهرها انتخاب می‌شدند در دوره دهم شاهدیم که در شهرهای کوچک‌تر زنان با رأی قاطع به نمایندگی مردم خود برگزیده می‌شوند و این بیانگر تغییر نگرش‌ها نسبت به نقش حضور زنان در این عرصه است که نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. اما کم‌توجهی به نقش‌های زنان نماینده در این عرصه مدیریتی مجلس، حکایت از بی‌توجهی به این تحول اجتماعی و فرهنگی دارد.

در طول ۱۰دوره مجلس شورای اسلامی تنها ۶۷زن توانسته‌اند به پارلمان راه پیدا کنند و هرچند در برابر تعداد کل نمایندگان پارلمان، سهم کمی در اختیار زنان قرار گرفته است ولی سیر صعودی تعداد آنها در مجلس از یک خواست عمومی حکایت می‌کند و همین مطالبه و اعتماد است که نسبت نمایندگان زن مجلس به کل نمایندگان را به ۶درصد می‌رساند؛ لذا در برابر چنین سهم‌بخشی به‌نظر می‌رسد که حضور حداقل ۲زن در هیأت رئیسه مجلس می‌تواند مطالبه‌ای جدی باشد. این در حالی است که در کل ادوار مجلس شورای اسلامی ایران خانم جلودارزاده تنها زنی است که در مجلس ششم توانست در هیأت رئیسه مجلس قرار گیرد. البته این سهم‌خواهی بدان معنا نیست که بخواهیم با بخشیدن رنگ و بوی جنسیت‌گرایی، الزامی بودن حضور یک زن با ویژگی نماد زنانه بودن را تقویت کنیم، بلکه با قدرت بخشیدن به جایگاه زنان، احترام به‌نظر مردم و به‌ویژه نیمی از جامعه هدف قرار دارد؛ بنابراین وقتی به سهم ۳۰درصدی زنان برای برقراری توازن در عرصه‌های قانونگذاری و اجرایی تأکید می‌ورزیم باید با رویکرد تبعیض مثبت فضای یکدست تصمیم‌گیری را تغییر دهیم و به تعادل نگاه حاکم بر قانونگذاری و اداره محیط تصمیم‌سازی بپردازیم. بی‌شک حضور زنان در جایگاهی با قدرتی بالاتر برای تصمیم‌گیری از ۲جنبه به توازن برنامه‌ای کمک خواهد کرد؛ نخست آنکه با تأکید بر عدالت جنسیتی به جاری شدن رویکردی همه جانبه نگر و نه تک‌بعدی در روح قانونگذاری پرداخته خواهد شد و از سوی دیگر با نگرشی مبتنی بر توازن مسائل و بحران‌های موجود در حوزه زنان و خانواده با جدیت بیشتری پیگیری می‌شود که این یک گام به جلو برای عبور از مشکلات موجود در جامعه خواهد بود. اگر بخواهیم به مطالعه تطبیقی میان تجارب مختلف دنیا در این‌باره نیز بپردازیم مشاهده می‌کنیم که بهره‌گیری از حضور زنان با پرهیز از کلیشه‌های جنسیتی، تجربه موفق اکثر کشورهای توسعه‌یافته است.

ادامه در صفحه ۲۶

۳ برابر شدن جریمه صحبت کردن با موبایل در کلانشهرها

رئیس پلیس ترافیک شهری ناجا گفت: جریمه صحبت کردن با موبایل در کلانشهرها ۱۰۰هزار تومان است و استفاده از هندزفری هم تخلف محسوب می‌شود. به گزارش خبرنگار مهر، سرهنگ داود قاسمیان گفت: صحبت با تلفن یکی از شایع‌ترین عوامل بروز تصادفات ناگوار و شدید است که جزو مهم‌ترین علل تصادف به دلیل توجه نداشتن راننده به جلو محسوب می‌شود. وی افزود: با توجه به اینکه توجه نداشتن راننده به جلو به دلایل مختلف مثل رعایت نکردن مقررات، خوردن و آشامیدن، صحبت کردن، جزو تخلف‌های محرز محسوب می‌شود، از این رو رانندگان حین صحبت با تلفن همراه در معرض خطر جانی برای خود و سرنشینان و عابران پیاده هستند. قاسمیان گفت: پلیس برای این عده از رانندگان قانون گریز، جرایمی در نظر گرفته که جریمه صحبت با موبایل در کلانشهرها ۱۰۰هزار تومان اعمال می‌شود و در سایر شهرها ۸۰هزار تومان لحاظ شده و در راه‌های روستایی این جریمه ۴۰هزار تومان است.

۵ کسب‌وکار

در گفت‌وگوی همشهری با رئیس اتاق اصناف کشور اعلام شد

اصناف در گرانی کالاها بی‌تقصیرند

۱۵ زندگی

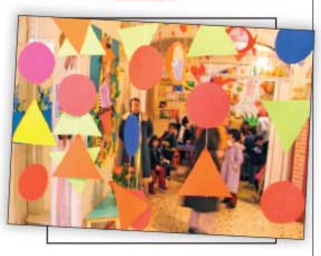

مهدکودک‌های پرداستان و خانواده‌های پرمشغله

همشهری از وضعیت و شرایط مهدکودک‌ها و چالش‌هایی که خانواده‌ها با آن روبه‌رو هستند، گزارش می‌دهد

۱۸ ادب و هنر

ما ادبیات ترکیه را تغییر دادیم

گزارشی از ملاقات و گفت و گو با اورهان پاموک برنده نوبل ادبیات

۳ شهر

همتای پل طبیعت در غرب تهران

مسابقه طراحی پلی با جذابیت‌های پل طبیعت برای احداث در اطراف دریاچه چیتگر

۴صفحه ضمیمه هرروز

نبرد گلادیاتورهای تاجدار

هنوز خانه‌هایی در محله مولوی پاتوق خروس‌بازهاست

۳